

کج فہمی ہا می رایج

در آموزش عمومی قرآن کریم

اشارہ

« بیش از ۹۵ درصد از دانش آموزان این کشور، فقط در مدرسہ با قرآن کریم آشنا می شوند. » این مطلب بہ تنہایی نشان دہندہ جایگاہ منحصر بہ فرد آموزش قرآن در وزارت آموزش و پرورش است. اما وجود متغیرہای مداخلہ گر آشکار و پنهان در تحقق اہداف قصد شدہ، نقش اساسی ایفا میکند. حاصل بررسی ہای نویسندہ مقالہ بہ عنوان مؤلف کتابہای درسی قرآن در طول ۱۵ سال گذشتہ « کج فہمی ہای رایج در آموزش قرآن » را از عمدہ دلایل کم توفیقی این درس میدانند؛ کہ اغلب آنہا ریشہ در باورہای غلط متولیان و برنامه ریزان از یک سو و معلمان و خانوادہ ہا از سوی دیگر دارد.

از آنجا کہ اجزاء و عناصر یک برنامه درسی، مبانی آموزش آن درس را مشخص می کند، لذا شایستہ است ابتدا بہ سراغ آنہا رفت. البتہ گاہی قداست و جایگاہ رفیع قرآن کریم نیز باعث میشود تا اذہان عمومی در مقابل ہرگونہ نقدی از خود ایستادگی نشان دادہ و بررسی اہداف، رویکرد، محتوا، روش ہای آموزش و تدریس و شیوہ ارزشیابی را ناممکن جلوہ دہد. عدم تغییر رویہ ہای موجود آموزش قرآن در طول سالہای متمادی، نیز مزید بر علت است.

مبنای این پژوهش، بررسی وضعیت موجود بر اساس اسناد تحولی چہارگانہ مصوب شورای عالی انقلاب فرہنگی و شورای عالی آموزش و پرورش است. یافتہ ہا نشان میدہد کہ کج فہمی ہای موجود عمدتاً ریشہ در چہار حوزہ ہدفگذاری، برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی دارد. راہکار اساسی، داشتن عزم ملی برای شناسایی و تلاش برای جلوگیری از تکرار اشتباہات و باورہای غلط گذشتہ و جایگزینی روش ہای معقول و علمی است.

رضا نباتی

دانشجوی دکتری فلسفہ تعلیم و تربیت

و از مؤلفین کتاب ہای درسی قرآن

دفتر برنامه ریزی و تالیف کتب درسی (وزارت آموزش و پرورش)

۰۹۱۲۳۲۱۲۷۶۰

قرآن کریم « تنها معجزه » به جا مانده از رسالت ۱۲۴ هزار پیامبر الهی است که امروز به امانت، نزد ماست و روز قیامت پیامبر اکرم از آن سؤال خواهد کرد.^۲ کتابی که صاحب آن، خداوند علیم و قدیر است. علیم یعنی عالم مطلق و قدیر یعنی قادر مطلق. خدایی که به واسطه آخرین پیامبرش با بشر سخن گفته است. سخنانی از روی دلسوزی و برای هدایت و راهنمایی انسان، نسخه نجات و رستگاری او در زندگی دنیا و پس از آن. پیروان آخرین پیامبر الهی این کتاب را تقدیس می کنند و آن را مایه برکت می دانند. مسلمانان با توجه به نوع پرداختن به قرآن به دو گروه عمده تقسیم می شوند :

گروه اول، صاحبان خرد و اندیشه هستند که در اثر علاقه و انس دائمی با قرآن کریم، برنامه زندگی فردی و اجتماعی خود را بر اساس آنچه در قرآن کریم آمده تنظیم می کنند و همواره در تلاشند تا از این مسیر راهی برای قرب الهی بیابند.

گروه دوم، کسانی که تنها به ذکر نام و قرائت ظاهری آن بسنده کرده اند. ایشان با توجه به همین مسأله، در راه تبلیغ و ترویج قرآن به هر روشی دست می یازند و اغلب با تکیه بر احساسات صرف و سطحی نگری دچار اشتباهات کوچک و بزرگی می شوند که جامعه را دچار انحراف و کج فهمی می کند. این موضوع در اثر دوری از تعقل و تفکر در قرآن کریم و شیوه های صحیح و معقول و قابل پذیرش همگان رخ داده و در مقابل گاه همراه با اغراق و غلو و خارج از تصور بشری ارائه می شود.

گاهی این کج فهمی ها، پا را فراتر از سلیقه و نظر شخصی گذاشته و تا آن جا که به عقیده فردی و اجتماعی تبدیل شود، پیش می روند. این دسته از باورها که چندان منطقی و معقول نبوده، نتیجه ای جز انحراف و استحاله را در پی ندارد. تا آنجا که بر علیه آن مکتب و عقیده قیام می کند. در این جاست که بر علمای قوم و فحول اندیشمندان واجب می شود تا برای آن چاره کنند و از لغزش عده ای کثیر در پرتگاه تعصب، جلوگیری کنند.

پس از مشخص شدن ضرورت و اهمیت موضوع، باید دید آیا امکان چنین تغییر و تحول فرهنگی در جامعه وجود دارد یا خیر؟ آیا به مصلحت حکومت ها و نظام های تربیتی هست که تن به اصلاحات فرهنگی بدهند و یا باید در مقابل آن نرمش نشان داده و سکوت کرد و یا آن را به اصطلاح مصادره به مطلوب نمود؟

از سوی دیگر مهم ترین خطری که یک نظام دینی را تهدید می کند « التقاط فرهنگی » است. این خطر در اثر استحاله فرهنگی رخ می دهد. یعنی آن که جامعه و افراد آن، صورت یک عقیده را حفظ کرده؛ اما در عمل بر خلاف آن اقدام می کنند. راهکار اساسی در تجدید نظر جدی در برخی از باورهای دینی است که یا بر علیه دین در حال فعالیت هستند و یا دست کم بی خاصیت و بی نتیجه اند و نیازمند مرمت و بازسازی مجدد. یکی از این حوزه ها، حوزه تربیت و یادگیری قرآن کریم است. آن هم در نظام تعلیم و تربیت با بیش از ۱۲ میلیون نفر دانش آموز که هر یک در طول سنوات تحصیلی بیش از ۸۰۰ ساعت رسماً با یادگیری کتاب خدا آن هم تنها در درس قرآن سر و کار دارند. از این میزان ساعت ۵۱۰ ساعت آموزشی به دوره ابتدایی اختصاص دارد.

بررسی باورهای و کج فهمی های رایج در آموزش قرآن دوره ابتدایی رسالت این مقاله است که هر چند به اجمال و فهرست وار اما مبتنی بر مبانی نظری و نیز وضعیت برنامه ریزی، اجرا و ارزش یابی صورت گرفته است.



فهرست کج فهمی های رایج در آموزش عمومی قرآن کریم را می توان در هشت عنوان اصلی و ۳۰ موضوع مرتبط با عناوین اصلی دسته بندی و اراده کرد:

الف - باورهای غلط در حوزه « اهداف »

- ۱- « قرآن فوتی »
- ۲- « نخ تسبیح »
- ۳- « الاغی با بار کتاب »
- ۴- از « قرائت هدر » بر حذر باش!
- ۵- مأموریت نامعلوم
- ۶- جامعیت اهداف آموزش قرآن
- ۷- ثواب؛ محرک است، نه پاسخ
- ۸- اصلاح در رویکردهای آموزشی
- ۹- خانواده؛ مسئول اصلی آموزش قرآن

ب - باورهای غلط در حوزه « محتوا »

- ۱۰- « جدایی مهارت های قرآنی از معارف قرآنی »
- ۱۱- توهم « تفسیر به رأی »

ج - باورهای غلط در حوزه « راهبردهای یاددهی - یادگیری »

- ۱۲- آموزش های کلیشه ای
- ۱۳- به نام روخوانی، به کام روان خوانی
- ۱۴- به نام روخوانی، به کام آموزش قواعد روخوانی
- ۱۵- پرهیز از نگاه تک ساحتی به قرآن
- ۱۶- جایگاه رسانه در آموزش قرآن
- ۱۷- « یادگیری » جایگزین آموزش
- ۱۸- پرهیز از نگاه تربیتی غرب به فعالیت های قرآنی
- ۱۹- نگاه فرهنگی به آموزش و فعالیت های قرآنی

د - باورهای غلط در حوزه « رسانه و مواد آموزشی »

- ۲۰- « قرآن، کتابی برای همه فصول »
- ۲۱- « عمل بی علم »
- ۲۲- معلم، بهترین کتاب درسی دانش آموز

هـ - باورهای غلط در حوزه « زمان آموزش »

- ۲۳- درس قرآن و سایر دروس

و - باورهای غلط در حوزه « معلم و مربی »

- ۲۴- آموزش با پیوست پژوهش
- ۲۵- شایستگی محوری معلمان و دانش آموزان
- ۲۶- آموزگاران دوره ابتدایی بهترین معلمان روخوانی قرآن
- ۲۷- « برنامه محوری » به جای محتوا محوری

ز - باورهای غلط در حوزه « ارزش یابی »

- ۲۸- ارزش یابی مقوم اهداف برنامه درسی قرآن

ح - باورهای غلط در حوزه « فعالیت های فوق برنامه قرآنی »

- ۲۹- یک بام و دو هوا
- ۳۰- مدیریت تعاملی به جای اعمال مدیریت



کج فهمی های رایج در آموزش عمومی قرآن کریم

باورهای غلط و کج فهمی های رایج در زمینه آموزش قرآن دوره ابتدایی را ابتدا باید در ارکان برنامه درسی آن جست و جو کرد. برخی از این کج فهمی ها به تفکیک ارکان و عناصر یک برنامه درسی عبارتند از :

الف - باورهای غلط در حوزه « اهداف »

۱- « قرآن فوتی »

« باور » به اعتقاد قوی و درونی شخص (یا اشخاص) به یک چیز اطلاق می شود. به تعبیر دیگر باور به اعتقاد قلبی به بودن و یا نبودن چیزی و یا انجام پذیر بودن و یا انجام ناپذیر نبودن کاری گفته می شود که از تکرار افکار هم نوع ساخته می شوند. برای تقریب به ذهن و روشن تر شدن مفهوم کج فهمی بهتر است به یک باور غلط قدیمی اشاره کنیم؛ البته امروزی ها شاید اطلاعات چندانی درباره آن نداشته باشند و احتمالاً از شنیدن آن تعجب می کنند و شاید هم بخندند. تا چند دهه قبل در برخی از نقاط کشور رسم بود افرادی که قاری قرآن بودند پس از قرائت هر سوره کوچک یا یک رکوع از یک سوره، نفس عمیق می کشیدند و سپس داخل مشک خالی فوت می کردند و درش را فوری می بستند و باز سوره ای دیگری ... تا این که مشک پر از هوا می شد. آنگاه به قبرستان می رفتند و قرآن فوتی را به صاحبان مرده می فروختند. به این ترتیب که سر مشک را روی سنگ قبر قرار می دادند و به اندازه مبلغی که دریافت می کردند، از نفس گرم خود که داخل مشک حبس شده بود، نثار مرده می کردند. به این قضیه « قرآن فوتی » می گفتند. این قضیه در عین خنده دار بودن، عبرت آموز است که در اثر کج فهمی، به یک باور غلط تبدیل شده است. و اینک این سؤال به ذهن خطور می کند که : « آیا آیندگان هم درباره برخی از باورهای ما چنین قضاوتی خواهند داشت؟! »

اولین کج فهمی : کم توجهی به « هدایتگری قرآن » به عنوان غرض اصلی نزول قرآن کریم در هدف نویسی ها و برنامه ریزی های درسی و آموزشی

۲- « نخ تسبیح »

نادیده گرفتن هدف « هدایت » به عنوان نخ تسبیح همه برنامه ها و فعالیت های قرآنی، خطای استراتژیک در حوزه آموزش و فعالیت های قرآنی کشور است؛ البته عده ای خواهند گفت : این هدف، از پیامدهای آموزش و فعالیت های قرآنی است. ضمن تأیید کلی این مطلب، سؤالی مطرح می شود و آن این است که آیا این کار - یعنی واگذار کردن هدف « هدایت » به خود شخص و پیامد آموزش کافی است ؟ و همه مخاطبان را به آن هدف آرمانی می رساند ؟ و یا باید از همان ابتدا برای تحقق آن، برنامه ای مشخص و مدون داشته باشیم؟ با کمی توجه در آموزش ها و فعالیت های قرآنی اعم از روخوانی و روان خوانی تا تجوید و قرائت و حفظ در می یابیم که مهم ترین غرض نزول قرآن تا چه حد مغفول واقع شده است.

دومین کج فهمی : مقدماتی چون روخوانی و روان خوانی و نیز مُحَسَّنات و مؤخراتی چون تجوید و حفظ و قرائت را آموزش قرآن فرض کردن.



۳- « الاغی با بار کتاب »

قرآن کریم در مذمت قوم یهود که حقیقت دعوت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را می دانستند، اما از پذیرش آن سرباز می زدند، به چارپایانی که کتاب بر آن ها نهاده اند، تشبیه می کند. این سزای قومی است که کتاب آسمانی خود را مقدس می شمارند، ولی به آن عمل نمی کنند؟

مَثَلُ الَّذِينَ خُمِلُوا التَّوْرَةَ، ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا،
مثل کسانی که تورات بر آنان بار شد (و به آن مکلف گردیدند) آن گاه آن را به کار ن بستند،
كَمَثَلِ الْجَمَارِ، يَحْمِلُ آسْفَارًا
هم چون مثل خری است که کتاب‌هایی را بر پشت می‌کشد؛

سوره ی جمعه ، آیه ی ۵

همواره باید از چنین داستان هایی درس گرفت و با خود حدیث نفس کرد که « ما با کتاب خدا چه می کنیم؟ این همه تلاش و شتاب برای چیست و دیگران را با خود به کجا می بریم؟! » لذا آنچه بیان می‌شود از باب « وَ ذَكَرْ، فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ » (ذاریات/ ۵۵) است.

با وجود هزینه‌های فراوانی که در حوزه آموزش و فعالیت‌های قرآنی کشور در طول سال‌های متمادی شده و می‌شود (که البته کافی نیست)، این امر در ایران با وقفه علمی و رکود فکری نسبتاً شدیدی روبه رو بوده است. دلایل بسیاری بر این مسئله مترتب است. از جمله وجود « باورهای غلط » فرهنگی و آموزشی به ارث مانده از گذشته های نه چندان دور. این رویه اگر در گذشته به دلایل فرهنگی آن روزگار تا حدودی نیازهای جامعه دینی را اکتفا می‌کرد؛ امروز دیگر پاسخگوی نیاز و ذائقه جامعه و به ویژه کودکان و نوجوانان نیست. از این رو نگاهی دوباره به آموزش قرآن و فعالیت های قرآنی ضرورت دارد. به ویژه که در سال های اخیر شاهد تولید، تصویب و ابلاغ اسناد تحولی گوناگونی در این حوزه بوده ایم و دیگر نمی‌توانیم با نگاه صرفاً سلیقه ای دست به تألیف و تولد اثر بزنیم.

سومین کج فهمی : غفلت از اوامر و نواهی و هشدارهای قرآن کریم، حتی درباره خودش

۴- از « قرائت هدر » بر حذر باش !

عده ای فکر می‌کنند که قرائت قرآن در هر صورت آن ثواب و رحمت است. چه بفهمیم و چه نفهمیم، چه عمل کنیم و چه عمل نکنیم. همین که قرآن را خوب و زیبا بخوانیم و بقیه لذت ببرند چه ثواب‌ها که نکرده‌ایم و چه خدمت‌ها که در حق قرآن کریم انجام نداده‌ایم؛ به‌خصوص اگر از حفظ هم باشد که دیگر نورعلی نور...

این که تمامی همایش‌ها، سمینارها با قرائت قرآن کریم شروع می‌شود و حافظان قرآن در جلسه کرسی قرائت قرآن کریم همه را می‌خکوب انواع و اشکال خواندن قرآن خود می‌کنند، چه پیشرفت بزرگی در جامعه اسلامی و انقلابی ما است برایم زیبا و جذاب بود و همیشه خدا را بر این نعمت شاکر بودم و راضی از وضعیت موجود و ممنون از تلاش‌های جامعه قرآنی کشور... اما کافی است برای یک بار هم که کشده دعای آغاز قرائت قرآن کریم که در ابتدای اغلب قرآن‌ها از قول امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده، بخوانیم. در این دعای نورانی با این عبارات برخورد می‌کنیم :

« ... وَ لَا تَجْعَلْ قِرَائَتِي قِرَاءَةً لَا تَدُبَّرُ فِيهَا ... وَ لَا تَجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ غِفْلَةً وَ لَا قِرَائَتِي هَدْرًا ... »

(اصول کافی، ج ۴، ص ۳۰۰)



در این عبارت نورانی تأکید بر خواندن همراه با تفکر و تدبر است. در واقع مفهوم «حق تلاوته» در آیه ۱۲۱ سوره بقره نیز همین مطلب است: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ، يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ» در کتاب شریف بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۴۴ از امام صادق علیه السلام درباره «حق تلاوت آیات» چنین نقل می‌شود:

فَانظُرْ كَيْفَ تَقْرَأُ كِتَابَ رَبِّكَ وَ مَنْشُورَ وَ لَآئِيكَ، وَ كَيْفَ تُجِيبُ أَوْامِرَهُ وَ نَوَاهِيَهُ،
بنگر چگونه نامه پروردگارت و منشور ولایت را می‌خوانی؛ و چگونه امرها و نهی‌های او را پاسخ می‌دهی
وَ كَيْفَ تَمْتَثِلُ حُدُودَهُ، فَإِنَّهُ كِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ
و چگونه از حدود الهی فرمانبرداری می‌کنی، که این قرآن کتابی است استوار که نه از پیش رو و نه از پشت سر، از هیچ طرف،
باطلی سراغ آن نمی‌آید،

تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ، فَارْتَلُهُ تَرْتِيلاً، وَ قِفْ عِنْدَ وَعْدِهِ وَ وَعِيدِهِ
نازل شده ای از سوی خدای حکیم و ستوده است. پس آن را به نیکی تلاوت کن، هنگام (برخورد با) وعده و وعیدش درنگ کن
وَ تَفَكَّرْ فِي أَمْثَالِهِ، وَ مَوَاعِظِهِ، وَ احْذَرْ أَنْ تَقَعَ مِنْ إِقَامَتِكَ حُرُوفَهُ، فِي إِضَاعَةِ حُدُودِهِ
و در مثل‌ها و موعظه‌هایش بیندیش، و پرهیز از این که با مراعات حروف، به تباه ساختن حدود آن بیفتی!

چهارمین کج فهمی: تصور ارزشمندی بالای تمسک به قرآن بدون توجه به تدبر و عمل به آن

۵- مأموریت نامعلوم

از کج فهمی‌ها و باورهای غلط آن است که اگر اعتبارات لازم مهیا باشد و یک «طرح ملی قرآنی» می‌توان همه دانش آموزان کشور را حافظ قرآن کرد؛ مانند کشور لیبی که به لقب کشور حافظان قرآن معروف است. در نتیجه هر ساله طرح‌های متعدد ملی، استانی و منطقه‌ای جدید به موازات کتاب‌های درسی، تولید می‌شود (و البته به همین اندازه، دهها طرح ملی قبلی تعطیل می‌شود).
غافل از این که اصل باید بر سیاست تمرکز زدایی باشد؛ زیرا طرح‌های ملی بودجه‌های کلان را می‌بلعد و در عوض رقبای ضعیف را از بین می‌برد و چیزی جز کشتن استعدادها و انگیزه‌ها و ایجاد انتظارات بی‌پاسخ به ارمغان ندارند.
در واقع این هم از باورهای غلط است که همیشه خواسته ایم یک شبه به همه اهداف آرمانی برسیم. در حالی که برای پژوهش و برنامه‌ریزی و مشاوره هزینه نمی‌کنیم، زیر ساختها را آماده نمی‌کنیم، فرهنگ جامعه را در پذیرش و مشارکت در آن در نظر نمی‌گیریم، نتیجه آنکه پس از گذشت چندین دهه در بسیاری از موارد هنوز در آغاز راه هستیم و نتایج جالب و قابل لمس دیده نمی‌شود. در کشور فرصت‌های عظیمی است که بدون توجه و استفاده رها شده است، در حالی که با مطالعه دقیق و کمی حمایت و توجه می‌توان جهشی عظیم و ماندگار در فعالیت‌های قرآنی کشور ایجاد کرد.

پنجمین کج فهمی: نامعلوم بودن مأموریت ذاتی و اساسی هریک از ارگان‌ها و متولیان در زمینه آموزش قرآن



۶- جامعیت اهداف آموزش قرآن

آیات متعددی در قرآن وجود دارد که به انتظار قرآن از مسلمانان درباره قرآن کریم اشاره دارد. این انتظارات و مطالبات باید مورد نظر برنامه ریزان و معلمان قرآن باشد؛ مانند تلاوت و قرائت، تفکر و تدبر، عمل، آموزش، رعایت آداب تلاوت، حفظ، تأثیرپذیری و... در مورد این مطالبات که در قالب اهداف آموزش عمومی قرآن کشور هم به تصویب رسیده و ارائه شده؛ اولاً باید از نگاه تک بعدی پرهیز کرد و ثانیاً باید مبانی و مبادی این اهداف مشخص شود.

ششمین کج فهمی: بی توجهی به اغلب انتظارات قرآن درباره خودش در مراحل و مراتب برنامه ریزی درسی و آموزشی

۷- ثواب؛ محرک است، نه پاسخ

طبق نظریه «محرک و پاسخ» که برخی دانشمندان حوزه روان شناسی یادگیری، از آن به عنوان شرطی سازی در حوزه آموزش یاد می کنند. (مانند اسکینر و پاولف) اگر بخواهیم علاقه و انگیزه فرد را نسبت به یادگیری تقویت کنیم؛ لازم است، از محرک استفاده شود. پس جایزه به عنوان تقویت و محرک و نتیجه عمل به عنوان پاسخ است. این نظریه که کاربردهای فراوانی در آموزش و یادگیری دارد، در واقع اولین بار در ادیان الهی مانند؛ اسلام مطرح شده است. «ثواب» همان محرک است و عمل صالح، همان پاسخ؛ اما متأسفانه به دلیل استحاله فرهنگی در جوامع اسلامی به این قاعده برعکس عمل می شود و به یک باور غلط تبدیل شده است. برای روشن شدن موضوع مثالی میزنم. شما برای این که فرزندان نماز (پاسخ) بخواند به او جایزه (محرک) می دهید تا تشویق شود، این خیلی عالی است؛ اما اگر این کار را آن قدر تکرار کنید تا این که جایزه به هدف تبدیل شود، آنگاه فرزند شما شرطی می شود یعنی او نماز می خواند تا جایزه بگیرد و این یعنی نوعی انحراف و خطر برای بروز انحطاط در عرصه تربیت دینی جامعه، یکی دیگر از باورهای غلط جامعه دینی ما نگاه کمی به جای نگاه کیفی به مسائل اعتقادی است، یعنی برای کسب ثواب بیش تر و این یعنی محدود کردن دین به عنوان یک امر اخروی؛ از شما خواننده محترم می پرسم آیا کیفیت خواندن و بهره مندی شما از قرآن نسبت به مثلاً ۱۰ سال قبل بهتر شده و یا ثابت است؟ اگر جامعه ما نسبت به سال های قبل پیشرفت محسوس و قابل قبولی را نشان می دهد معلوم است که در سیر کمال طی طریق می کنیم و آلا خیر، تقلیل ارزش های دینی مانند انس با قرآن کریم و ائمه معصومین(ع)، نماز و روزه و ... در حد ثواب نمی تواند نقش مؤثری در اصلاح الگوی زیستی ما داشته باشد. در مقابل این باور غلط، نگاه حکیمانه مقام معظم رهبری در طرح الگوی سبک زندگی اسلامی مطرح می شود؛ یقیناً تحقق چنین امری در بازگشت دوباره به قرآن کریم و معارف اهلبیت(ع) است.

هفتمین کج فهمی: استحاله فرهنگی در اثر جابجایی محرک و پاسخ در امر ثواب قرائت و حفظ قرآن

۸- اصلاح در رویکردهای آموزشی

امام خمینی فرمودند: «تربیت، باید قرآنی باشد و بچه های ما باید تربیت قرآنی بشوند.» با عنایت به این گونه تعابیر، که در اسناد تحولی به کرات مورد تأکید قرار گرفته، رویکردهای آموزشی کنونی باید اصلاح شود؛ «رویکرد» چتر حاکم بر برنامه های درسی و آموزشی اعم از اهداف، محتوا، روش آموزش، ارزش یابی و ... است. یکی از باورهای غلط در حوزه آموزش قرآن، اتخاذ رویکرد آموزش روخوانی و روان خوانی کل قرآن در (مثلاً) ۲۰ جلسه است، این رویکرد که در تمامی آموزش های قرآن کشور مطرح می شود، از نظر منطبق برنامه و هدف نویسی «نه ضرورت» دارد و «نه امکان» اما به دلیل موروثی بودنش همیشه مطرح است.



و نیز از آن جا که خواندن و فهمیدن دو روی یک سکه هستند (و این از باورهای غلط است که این دو را از هم جدا می دانیم.) مهم ترین کاری که در زمینه آموزش قرآن باید صورت پذیرد این است که در برنامه ریزی ها در کنار توجه به جنبه آموزش مهارت‌های خواندن مانند؛ قرائت و حفظ، موضوع « تربیت » به عنوان محور برنامه ریزی و هدف نویسی مورد توجه قرار گیرد.

هشتمین کج فهمی : کم توجهی به امر « تربیت قرآنی » و در مقابل توجه بیش از اندازه به « آموزش قرآن »

۹- خانواده؛ مسئول اصلی آموزش قرآن

آموزش و پرورش به عنوان یار و معین خانواده در تحقق تعلیم و تربیت اسلامی دانش آموزان مسئولیت دارد. پس فعالیت‌های قرآنی نباید تنها بر دوش معلمان و آموزش و پرورش سنگینی کند؛ بلکه خانواده‌ها باید وظیفه اصلی را در این خصوص انجام دهند. بی‌تردید یکی از مهم‌ترین آسیب‌ها از سوی والدین است که نسبت به مشارکت عملی در این زمینه به بازی گرفته نمی‌شوند؛ باید این باور غلط اصلاح شود که با بودن نظام اسلامی، خانواده‌ها تکلیف تربیت اخلاقی و اسلامی را متوجه مدرسه و جامعه کنند. از این رو در وهله اول نهاد خانواده باید هم‌پای معلم در فعالیت‌ها مشارکت کند و در وهله دوم این امر نیازمند آموزش و فرهنگ‌سازی است. سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و دفتر تألیف در زمینه آموزش خانواده و در جلب مشارکت ایشان باید قدم های مهمی را بر می داشت از آن جمله نوشتن کتاب های راهنمای برنامه درسی است. ولی تا کنون در این زمینه چیزی ملاحظه نشده است.

نهمین کج فهمی : تصور این که مسئولیت اصلی تربیت دانش آموزان در وهله اول بر عهده مدرسه و معلمان است. (و نه خانواده ها و والدین ایشان)

ب - باورهای غلط در حوزه « محتوا »

درس قرآن از جمله دروسی است که کمترین ارتباط دو سویه و تعاملی را با دانش آموزان دارد. این رویه تاریخی به دلیل عدم توجه به نیازها و ذائقه دانش آموزان بوده و در نتیجه اغلب اوقات، دانش آموزان نمی دانند چرا این آیات را می خوانند.

۱۰- « جدایی مهارت های قرآنی از معارف قرآنی »

بر اساس آیه دوم سوره جمعه، مبنای تفکر ما باید در حوزه آموزش و فعالیت های قرآنی، خود قرآن باشد؛ یعنی از قرآن بر آمده باشد؛ این آیه به خوبی سیر تعالی پرداختن به قرآن کریم را ترسیم می کند :

« هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ، يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ

و يَزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ، ... »

با عنایت به این آیه شریف آیا تلاوت قرآن نباید اثر بخش و معنادار باشد (تزکیه) ؟ آیا حکمت - که به تعبیر امیرالمؤمنین(ع): « گمشده مؤمن » و میوه درخت تعلیم و تربیت است - نباید مورد توجه جدی در رویکرد برنامه ها و فعالیت های قرآنی کشور قرار گیرد ؟

دهمین کج فهمی : جدا دانستن مهارت های قرآنی و معارف قرآنی از یکدیگر



۱۱- توهم « تفسیر به رأی »

بهتر است یکی از مهم ترین چالش های حوزه آموزش قرآن و فعالیت های قرآنی کشور را از زبان بنیان گذار نظام جمهوری اسلامی بخوانیم. امام خمینی(ره) در کتاب « آداب الصَّلاه » چنین می نویسد :

« یکی دیگر از حجب که مانع از استفاده از این صحیفه نورانیه است اعتقاد به آن است که جز آنکه مفسرین نوشته یا فهمیده اند کسی را حق استفاده از قرآن شریف نیست و تفکر و تدبر در آیات شریفه را به تفسیر به رأی که ممنوع است، اشتباه نموده اند و به واسطه این رأی فاسد و عقیده باطل، قرآن شریف را از جمیع فنون استفاده عاری کرده و آن را به کلی مهجور کرده اند. در صورتی که استفادات اخلاقی و ایمانی و عرفانی به هیچوجه مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رأی باشد.

مثلاً اگر کسی از قول خدای تعالی « الحمد لله رب العالمین » که حصر جمیع محامد و اختصاص تمامی آن است به حق تعالی؛ استفاده توحید افعالی کند و بگوید از این آیه شریفه استفاده شود که هر کمال و جمال و هر عزت و جلالی که در عالم است، از حق تعالی است و هیچ موجودی را از خود چیزی نیست. این چه مربوط به تفسیر است؟! تا اسمش تفسیر به رأی باشد یا نباشد. ... »

امام راحل در باب مهجوریت قرآن در بلاد اسلامی در همین کتاب در رد تفکر اخباری گری چند سده گذشته خاطر نشان می کند :
« آیا اگر غالب عمر خود را صرف در تجوید و جهات لغویه و بیانیه و بدیعیه آن کردیم، این کتاب شریف را از مهجوریت بیرون آوردیم؟ آیا اگر قرائات مختلفه و امثال آن را فرا گرفتیم، از ننگ هجران از قرآن خلاصی پیدا کردیم؟ آیا اگر وجوه اعجاز قرآن و فنون محسنات آن را تعلم کردیم، از شکایت رسول خدا(ص) مستخلص شدیم ؟ هیهات ! که هیچ یک از این امور مورد نظر قرآن و منزل عظیم الشان آن نیست. »

امروز که در آستانه ۴۰ سالگی پیروزی شکوهمند جمهوری اسلامی ایران هستیم، این سؤال مطرح می شود: چرا هنوز هم تفکر اخباری - به جای تفکر ناب شیعی - بر آموزش و فعالیت های قرآنی این کشور حاکم است؟
در پاسخ باید گفت این نیروی قدرتمند فرهنگ حاکم بر جامعه است که تعیین کننده اغلب طرح و برنامه هاست.

یازدهمین کج فهمی : **جلوگیری از ورود به معارف قرآنی به دلیل ترس از « تفسیر به رأی »**

ج - باورهای غلط در حوزه « راهبردهای یاددهی - یادگیری »

۱۲- آموزش های کلیشه ای

آموزش؛ اگر پیشبرنده نباشد، واژگون کننده است. برگزاری مکرر آموزش قواعد روخوانی قرآن در مقاطع مختلف باعث کلیشه شدن آن شده است. کلیشه یعنی تکرار ملال آور. حرکت در مسیر تکراری، حس پیشرفت را از دانش آموز می گیرد و این نوع یادگیری، محکوم به غرق شدن است؛ مگر آنکه بین آن ها پل زده شود.

به عنوان مثال؛ بچه ها دسته کم یک بار روخوانی و روان خوانی را در مدرسه یاد گرفته اند، پس نباید در سال های بعد مطالب مجدداً برای آن ها تدریس شود. و حتی به غیر از وزارت آموزش و پرورش که متولی اصلی آموزش روخوانی (تا سوم ابتدایی) و روان خوانی (تا ششم ابتدایی) به تمامی دانش آموزان کشور است، نباید هیچ ارگان و مؤسسه قرآنی دیگری به این موضوع به صورت رسمی بپردازد. پس هر دستگاهی باید به مأموریت ذاتی و وظیفه اصلی خود عمل کند.

دوازدهمین کج فهمی : **برگزاری آموزش های مکرر و کلیشه ای به جای شناسایی مشکل**



۱۳- به نام روخوانی، به کام روان خوانی

۱۴- به نام روخوانی، به کام آموزش قواعد روخوانی

دلیل اصلی طولانی شدن آموزش روخوانی از پیش‌دبستانی تا دانشگاه، غیرعلمی بودن آموزش روخوانی قرآن در کشور است؛ زیرا آموزش روخوانی که یک «تجربه دیداری» است، با استفاده از «روش‌های شنیداری» نه تنها محقق نمی‌شود، بلکه فرد را دچار ناتوانی مزمن کلی‌خوانی می‌کند که گاهی تا آخر عمر همراه اوست؛ و گذشت زمان هم با بالا رفتن سن یادگیری، مهارت دیداری خواندن از فرد سلب می‌شود و از این رو ناتوانی روخوانی به عنوان یک چالش جدی در کشور لاینحل می‌ماند.

سیزدهمین کج فهمی: آموزش «روان خوانی» به نام روخوانی (به دلیل کم توجهی به مبانی علمی و آموزشی)
چهاردهمین کج فهمی: آموزش «قواعد روخوانی» به نام روخوانی (عدم توجهی به تفاوت روخوانی و روان خوانی)

۱۵- پرهیز از نگاه تک‌ساحتی به قرآن

عدم موفقیت برخی از برنامه‌ها و آموزش‌ها در اثر فشاری در حفظ این باورها از یک سو و وجود نگاه تک‌بعدی (فارغ از فهم و تدبر و هدایت) از سوی دیگر از دیگر باورهای غلط در آموزش قرآن است؛ با توجه به ضرورت اصلاح رویه‌های موجود امید است در اسرع وقت در این باره تجدید نظر لازم صورت گیرد، چرا که اگر قرآن کریم را صرفاً یک کتاب مقدس بدانیم و صرفاً برای کسب ثواب آن را بخوانیم، در واقع قرآن را از جایگاه اصلی آن یعنی هدایت، به کسب ثواب تقلیل داده‌ایم؛ و این ظلم به قرآن کریم است.

پانزدهمین کج فهمی: توجه یک‌سویه به قرآن به جای توجه به جامعیت آموزش

۱۶- جایگاه رسانه در آموزش قرآن

وجود رسانه‌های پرشمار آموزشی، ضمن آن که می‌تواند موقعیت بهتری را برای یادگیری فراهم کند، به همان اندازه نیز می‌تواند گاهی باعث بی‌توجهی به اهداف اصلی برنامه درسی شود. استفاده از لوح فشرده قرائت قرآن به همان اندازه که می‌تواند به بخش دوم آموزش قرآن یعنی روان خوانی کمک کند، اگر قبل از روخوانی استفاده شود به بخش اول آموزش، اشکال اساسی وارد می‌کند. دانش آموزان در بخش اول باید از طریق مهارت دیداری خواندن بخش بخش و شمرده کلمات و عبارات قرآنی را بیاموزند و پس از طی مراحل آموزش روخوانی، وارد بخش دوم یعنی روان خوانی شوند. نوار صوتی و لوح فشرده ضمن ایجاد انگیزه در گروهی از دانش آموزان با استعداد، امکان تثبیت و تعمیق یادگیری را فراهم می‌کند. اما نقش چندانی در آموزش روخوانی ندارد و بلکه باعث بروز اختلالات یادگیری مانند کلی خوانی و عدم توجه به حرکات می‌شود و در صورت تداوم روش، این نقیصه در اغلب افراد به صورت مزمن باقی می‌ماند.

شانزدهمین کج فهمی: تقدم روش شنیداری بر روش دیداری (تقدم روان خوانی بر روخوانی)

۱۷- «یادگیری» جایگزین آموزش

در اعم اغلب کلاس‌های قرآن قاعده آموزشی محور آموزش است. معلمان در هر جلسه یک یا چند قاعده قرآنی را مطرح کرده و سپس با بیان مثال‌های مختلف به تبیین آن می‌پردازند. این رویه در اثر باور غلطی است که در برخی معلمان و روش‌های آموزشی وجود دارد و آن تصور این است که: اگر قواعد خوب آموزش داده شوند مخاطبان در خواندن قرآن مشکلی نخواهند داشت.



در حالی که این باور از منظر علمی دارای خدشه است. زیرا در یادگیری این مخاطب است که تلاش می کند و کار معلم فراهم آوردن موقعیت مناسب برای یادگیری است. بررسی ها نشان می دهد دانش آموزان به میزان کافی در کلاس درس به خواندن قرآن نمی پردازند و معمولاً در کلاس منفعل و صرفاً شنونده هستند. اصلی ترین معلم در کلاس باید وادار کردن همه دانش آموز به خواندن قرآن باشد تا حفظ قواعد و مطالب.

هفدهمین کج فهمی : تأکید بر آموزش و تعمیم قواعد به جای پرداختن به تمرین و مهارت آموزی

۱۸- پرهیز از نگاه تربیتی غرب به فعالیت های قرآنی

با توجه به هجمه فرهنگی و رسانه‌ای غرب و تعبیر مقام معظم رهبری مبنی بر این که « ما در حال گذر از یک پیچ تاریخی هستیم »، ما نیاز داریم این پیچ تاریخی را با بصیرت و به سلامت طی کنیم، اما متأسفانه در چند دهه اخیر در آموزش و فعالیت های قرآنی کشور، به صورت خواسته یا ناخواسته دچار یک عقب‌ماندگی تاریخی شده ایم؛ علت این عقب‌ماندگی را نیز میتوان در تقلید از سیستم‌های نادرست آموزشی و تربیتی غرب دانست که در اثر بی‌توجهی به موضوعاتی چون «فطرت»، «حکمت»، «معرفت» و ارزش های والای الهی - انسانی که همه منبعث از قرآن کریم است، دانست.

در واقع ما به جای آن که با مطالعه دقیق دستاوردهای علمی، از آن استفاده سنجیده ای داشته باشیم و به تعبیر صحیح‌تر آن را بومی کنیم، اغلب مغلوب فرهنگ غرب شده و چشم و گوش بسته آن را پذیرفته‌ایم؛ چه بسا ما در فعالیت های قرآنی هم از چنین دیدگاه‌هایی بهره می جوئیم. حاصل چنین رویه ای، بروز تضادهای تربیتی در جامعه، به خصوص در میان قشر جوان و تحصیل کرده است. طبق فرمایش پیامبر اعظم(ص) که می فرمایند، « **فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ ، فَاعْلَمُوا بِالْقُرْآنِ** » (هنگامی که فتنه‌های زمانه شما را در بر گرفت، بر شما باد که مانند پاره های شب تاریک به قرآن کریم مراجعه و از آن کمک بگیرید.) باید از قرآن استعانت بجوئیم؛ اما « به راستی آیا امروز فعالیت های قرآنی کشور، توان چنین کمکی را به دین خدا دارد؟! »

هجدهمین کج فهمی : ترویج آموزش قرآن با رویکرد تربیت غربی

۱۹- نگاه فرهنگی به آموزش و فعالیت های قرآنی

همواره ناتوانی مردم در خواندن قرآن کریم را صرفاً به آموزش و روش های یاددهی - یادگیری آن نسبت می دهیم، غافل از این که اغلب مردم ما در دوران مدرسه با روخوانی قرآن آشنا شده و دوره دیده اند. پس لزومی به تکرار آموزش ندارند. در حقیقت هزینه حتی یک ریال برای آموزش روخوانی قرآن هم، اسراف بیت المال محسوب می شود؛ زیرا مشکل اصلاً در این جا نیست، بلکه این مشکل یک مشکل فرهنگی است، یعنی نخواندن قرآن، یعنی عدم انس با قرآن کریم؛ و این مشکل با آموزش حل نمی شود؛ این مشکل ریشه در کم توجهی معلمان و متولیان قرآنی به موضوع فرهنگی انس دائمی با قرآن کریم دارد. در این زمینه چقدر کار کرده‌ایم؟ شاید تنها برنامه مؤثر در این زمینه « طرح تلاوت نور مساجد » باشد و نیز تلاوت روزانه قرآن کریم در ماه مبارک رمضان (که البته با توجه به مسائلی که گفته شد به دلیل تک ساحتی بودن هریک از آنها، توفیق آنها نیز در سایر زمان ها چندان مشهود نیست.)

نوزدهمین کج فهمی : توجه بیش از حد به امر « آموزش » به جای نگاه فرهنگی و تربیتی



د - باورهای غلط در حوزه « رسانه و مواد آموزشی »

۲۰- « قرآن، کتابی برای همه فصول »

بخش مهمی از کارکرد قرآن کریم در جامعه امروز، نسبت به صدر اسلام و زمان اهل بیت (ع) تغییر کرده است؛ شواهد نشان می دهد که از همان ابتدای آموزش خواندن، به جای پرداختن به آموزش عمومی قرآن یعنی استفاده از قرآن کریم به عنوان کتاب زندگی، سوگیری ما به سمت پرداختن به شناسایی و تشویق قاری و حافظ قرآن کریم؛ یعنی قهرمان پروری است. قرائت و حفظی که باید به عنوان هدف آلی (ابزاری) باشد، به هدف غایی و آرمانی تبدیل شده است؛ و این هم از باورهای غلط است. نظریه « هوش های یادگیری » (هوارد گاردنر) ثابت می کند که هدف قهرمان پروری در حد خود می تواند موفق باشد؛ اما قابلیت تعمیم پذیری ندارد و به عبارت دیگر قهرمانان همیشه در فکر شکست دیگران هستند. تجربه جمهوری اسلامی نشان می دهد نگاه تک ساحتی به فعالیت های قرآنی، مدال های رنگارنگ قهرمانی جهانی را برای متسابقین قرآنی به ارمغان داشته است؛ اما آیا در کنار این رویش ها هرگز به ریزش ها و علل آن توجه کرده ایم؟

بیستین کج فهمی : جابجایی اهداف غایی و ابزاری در برنامه ریزی درسی و آموزشی

۲۱- « عمل بی علم »

باید عقلای تعلیم و تربیت دینی و علمای یادگیری و کارشناسان قرآنی در مجامع علمی مشترک بنشینند و آیات و فرازهای شریف قرآن کریم را « بر اساس نیاز هر گروه سنی » دسته بندی کنند و فرازهایی را که برای مخاطبان خاص، « معنادار » است. (یعنی مبتنی بر نیازهای امروزی هر گروه سنی است) احصاء و اولویت بندی کنند و آن گاه برای آموزش این فرازها، آیات و سور، ظرفیت مورد نظر را هم از حیث طراحی محتوا و هم روش آموزش، تولید و تدوین کنند. در حال حاضر بر خلاف چنین رویه ای عمل می شود؛ و طبیعی است که نتیجه ایده آلی عاید نخواهد شد.

بیست و یکمین کج فهمی : اتخاذ رویه « عمل بدون پشتوانه فکر و کارشناسی »

۲۲- معلم، بهترین کتاب درسی دانش آموز

یکی از « مغالطات منطقی » در برنامه های درسی آن است که برای تحقق اهداف برنامه درسی، محتوای آموزشی (کتاب درسی) و روش را جایگزین برنامه درسی کنیم. در این حالت، شرط لازمه تحقق برنامه درسی (یعنی اهداف برنامه) مورد غفلت قرار گرفته و معلم و دانش آموزان به دنبال حفظ مطالب و کسب نمره قبولی هستند و اهداف مورد غفلت جدی قرار می گیرند. این محتوا محوری (محوریت کتاب درسی) باعث غفلت از تجارب معلمان و نیز نیاز و ذائقه و توان دانش آموزان، با عنایت به تفاوت های جغرافیایی، زبانی، فرهنگی و ... می شود. در حالی که این ها می تواند فرصت خوبی را برای تحقق اهداف برنامه درسی برای معلم و کلاس فراهم کند. این « مغالطه منطقی » از عوامل عدم تحقق برنامه درسی قرآن نیز به شمار می رود.

بیست و دومین کج فهمی : محوریت کتاب درسی به جای محوریت معلم و برنامه درسی



هـ - باورهای غلط در حوزه « زمان آموزش »

۲۳- درس قرآن و سایر دروس

روند آموزش دروس در برنامه های درسی و آموزشی به گونه ای است که دروسی مانند ریاضی و علوم تجربی جزء دروس پایه و اساسی تلقی شده و سایر دروس در زمره دروس درجه دو و سه محسوب می شوند. از این منظر در تخصیص ساعات درسی و نیز در اولویت آموزش دروس پایه بیشترین زمان را به خود اختصاص می دهند و سایر دروس به عنوان ساعات کمی آن دروس در برنامه جانمایی می شوند تا در وقت ضرورت از آن ها استفاده شود. در بسیاری از مدارس برخوردار و خصوصی به جای تدریس سه زنگ در هفته یک ساعت به قرآن و بقیه به دروس اصلی اختصاص می یابند. در حوزه نظارت اداری و نیز پیگیری اولیا نیز این دروس، کمتر مورد نظر هستند. این وضعیت نشان از کم توجهی به تربیت و یادگیری دروس مهارتی و توجه بیش از حد به دروس حفظی است.

بیست و سومین کج فهمی: درس قرآن، شهروند درجه دو و سه بین دروس

و - باورهای غلط در حوزه « معلم و مربی »

۲۴- آموزش با پیوست پژوهش

هر عملی باید مبتنی بر پژوهش و کاربرد نتایج آن باشد. اما این اصل مسلم عموماً در آموزش ها و فعالیت های قرآنی به درستی مورد توجه قرار نمی گیرد. همین مسئله است که موجب تحمیل هزینه های سنگین و در عوض نتایج ضعیف می شود. این مشکل در اثر وضعیت فرهنگی حاکم بر جامعه که بر حفظ داشته های غلط گذشته تاکید دارد، خواسته یا ناخواسته زمینه بروز مقاومت فرهنگی را به وجود می آورد.

از این رو « استحاله » خطری است در کمین طرح و برنامه های فرهنگی و قرآنی و نیز اسناد تحولی کشور. راه برون رفت از این وضعیت توجه به همه ابعاد برنامه آموزشی است: توجه به برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی سه مؤلفه اصلی برنامه ریزی است که جز با مراقب و حمایت به نتیجه نمی رسد.

بیست و چهارمین کج فهمی: کم توجهی به جایگاه شایسته برای بهره مندی از پژوهش ها از سوی دو حوزه صف و ستاد (تا مدرسه و کلاس درس)

۲۵- شایستگی محوری معلمان و دانش آموزان

معلمان قرآن در امر تدریس قرآن، به کسب شایستگی های لازم اعم از « صلاحیت های اولیه و صلاحیت های حرفه ای » نیاز دارند که علاوه بر دانش مفهومی، دانش روشی آن ها را هم تأمین کند. استفاده از فناوریهای روز نیازمند دقت کافی است تا در کنار استفاده صحیح، آسیب های آن را به حداقل برسانند؛ زیرا سیستمها اگر قابلیت تطابق با یادگیرنده را نداشته باشند، مخرب فرایند آموزش معلم و نیز یادگیری دانش آموز خواهند بود. نادیده گرفتن این شایستگی ها از سوی معلم در رابطه با دانش آموزان (به دلیل عدم آگاهی و تسط بر این تشخیص) باعث شده تا تفاوت های فردی و استعداد های دانش آموزان مد نظر قرار نگیرد و همه مثل هم در نظر گرفته شوند.

بیست و پنجمین کج فهمی: کم توجهی به « شایستگی محوری معلمان » در تدریس قرآن



۲۶- آموزگاران دوره ابتدایی بهترین معلمان روخوانی قرآن

- آموزگاران ابتدایی بهترین معلمان قرآن دوره ابتدایی هستند. به شرطی که با توجه به دلایل زیر مورد توجه و آموزش لازم قرار گیرند:
- ۱- آموزگاران در دوره های تربیت معلم با روش آموزش قرآن آشنا شده و متعهد هستند که در کنار سایر دروس مانند فارسی، ریاضی، علوم و ... ، قرآن را نیز تدریس کنند.
 - ۲- آموزگاران، حرفه ای ترین معلمان آموزش خواندن فارسی هستند. و از آنجا که جنس آموزش قرآن از سنخ آموزش خواندن فارسی است ایشان شایسته تر برای آموزش این درس هستند.
 - ۳- به دلیل تک معلمی در دوره ابتدایی، آموزگار در آموزش قرآن فرصت های نابی را در اختیار دارد تا از طریق ارتباط صمیمانه تر و نیز شناخت بهتر دانش آموزان ایشان را در رفع اشکالات خواندن و هم چنین ایجاد انس یا قرآن کریم یاری رسانند.
 - ۴- عدم تدریس قرآن توسط آموزگار و سپردن این درس به سایر معلمان به بهانه درس تخصصی زمینه های انحراف آموزش و پرورش از تربیت قرآنی به سوی تفکر سکولار را فراهم می کند. جلوه این تفکر در دوره متوسطه کاملاً قابل مشاهده و تأیید است.
 - ۵- در تقلیل ساعات کار معلمان با سابقه ۲۰ سال به بالا، آموزگاران بر خلاف مصوبه ۶۷۷ شورای عالی آموزش و پرورش به راحتی تدریس قرآن را به دیگری واگذار می کنند.
- با این وجود با توجه به عملکرد غلط حوزه ستادی و بویژه معاونت پرورشی در توجه به این مطلب، اغلب آموزگاران جایگاه خود در آموزش قرآن را باور ندارند و نسبت به تدریس قرآن از خود علاقه ای نشان نمی دهند.

بیست و ششمین کج فهمی : نگاه تخصصی به تدریس قرآن دوره ابتدایی توسط معلم خاص (و نه آموزگار پایه)

۲۷- « برنامه محوری » به جای محتوا محوری

کتاب محوری و توجه بیش از اندازه به کتاب درسی باعث شده تا این تلقی به وجود آید که آموزگاران وظیفه دارند کتاب درسی را آموزش دهند. در حالی که این تلقی در اثر وجود یک شکاف و گپ آموزشی بین کتاب درسی و معلم است.

سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی (معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش) باید تمهیداتی بیاندیشد که معلمان با سرفصل های برنامه درسی در یک دوره و پایه تحصیلی آشنا شوند. در چنین نگاهی، تنها کتاب درسی محتوای آموزشی نیست بلکه یکی از منابع آموزشی است و معلمان می توانند به سایر منابع مفید هم مراجعه کنند.

در شرایط فعلی کتاب های درسی بزرگ ترین عامل بی انگیزگی و عدم خلاقیت معلمان به شمار می روند.

بیست و هفتمین کج فهمی : محوریت کتاب درسی (به جای برنامه محوری، معلم محوری و تربیت محوری)

ز - باورهای غلط در حوزه « ارزش یابی »

۲۸- ارزش یابی مقوم اهداف برنامه درسی قرآن

اغلب معلمان چنین تصور می کنند که درس قرآن نمره ندارد و همه باید نمره خوب بگیرند و الا از درس قرآن زده می شوند.

این باور و کج فهمی تا آن جا ادامه دارد که با آن که چندین سال از اجرای سراسری ارزش یابی کیفی - توصیفی می گذرد اما تقریباً اغلب معلمان در کارنامه به هیچ دانش آموزی « نیازمند به تلاش » نمی دهند و همه قابل قبول هستند؛ اگر چه یک کلمه را هم نتوانند بخوانند. این تفکر ساده اندیشانه چنان در مدارس رسوخ کرده که بهانه ای شده برای بسیاری از معلمان تا به تدریس این درس به دلیل نداشتن ارزیابی نپردازند. به ویژه تعداد زیادی از معلمان که خود در صحیح خوانی قرآن کریم مشکل دارند.



در حالی که اولاً چنین پندایی کاملاً غیر علمی بوده و در هیچ کجای برنامه های درسی و مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش نیامده است. و ثانیاً با قبول چنین منطقی، چرایی برنامه درسی از بین می رود. زیرا در صورت نادیده گرفتن شیوه ارزش یابی دیگر اهداف و جاهت علمی و عملی نخواهد داشت. و عملاً پوچ خواهد بود.

بیست وهشتمین کج فهمی : درج « نیازمند به تلاش » در ارزش یابی پایانی درس قرآن ممنوع

ح - باورهای غلط در حوزه « فعالیت های فوق برنامه قرآنی »

۲۹- یک بام و دو هوا

شاید بتوان وجود اختلاف در حوزه های مختلف در فعالیت های قرآنی را به نحوی توجیهی کرد؛ اما در یک وزارتتی که طبق اسناد تحولی و مستندات آن، اهداف کلان و کلی و جزئی مشخص شده و وظیفه هر بخش مشخص است نمی توان قبول کرد این همه اشکال و اختلاف وجود دارد. مأموریت آموزش، جای خود را به نخبه گرایی داده و تربیت قرآنی جای خود را پرورش قهرمان. مسابقاتی که باید ابزاری برای تقویت انگیزه عموم دانش آموزان باشد، برای خود استقلال داشته و هیچ کمکی به اهداف اصلی نمی کند. مسابقاتی که محتوای آن از توانایی اعم اغلب دانش آموزان خارج است و جزء اهداف برنامه های درسی و آموزشی مصوب نیست، روز به روز علاقه و انگیزه دانش آموزان را کاهش می دهد و فاصله آنان را با برنامه های درسی بیش تر می کند. یک معاونت قرآن کم علامت توزیع می کند و دیگری اقدام به جمع آوری آن از مدارس ابتدایی می کند. یک معاونت به دنبال هدف روخوانی و روان خوانی است و دیگری حفظ قرآن را جایگزین آن می کند. معاونتی که باید مجری باشد تولید محتوا می کند و با قدرتی که در دست دارد آن را ترویج می دهد و با عوض شدن وزیر به یک باره متوقف و ناکارآمد معرفی می شود. و معاونتی که تولید محتوای علمی و شایسته کرده به دلیل نبود توانایی قدرت انتشار آن را از حوزه معاونت خود حتی به سایر معاونت ها را هم ندارد.

بیست ونهمین کج فهمی : وزارت آموزش و پرورش در همه زمینه های قرآنی - از روخوانی گرفته تا مسابقات بین المللی - باید سرمایه گذاری انسانی و مادی داشته باشد. (و اگر چه این ها با هم ارتباط نداشته باشند و حتی اختلاف نظر داشته باشند)

۳۰- مدیریت تعاملی به جای اعمال مدیریت

وزیریری یک شبه ده هزار مدرسه قرآن در کلیه مدارس ابتدایی راه اندازی می کند و وزیریری دیگر یک شبه همه آن ها را ناکارآمد دانسته تعطیل می کند. وزیریری یک شبه تمامی دارالقرآن های مناطق را تعطیل می کند و وزیر بعدی همه را مجدداً راه اندازی می کند. شورای معاونین وزارت بر خلاف مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش که فقط به آموزگار ابتدایی مجوز تدریس قرآن در دوره ابتدایی داده را نادیده گرفته و به دلیل کمبود نیرو مدیران و معاونان مدارس را تا شش ساعت در هفته به تدریس در کلاس وادار می کند. و این موضوع تنها کلاس درس قرآن را با مشکلات بیش تر درگیر می کند. وزیریری مدیران مدارس را وادار می کند تا همه دانش آموزان خود را به نام حافظ قرآن در سامانه ثبت نام کنند؛ در حالی که ایشان نه تنها حافظ نیستند بلکه روح پاکشان هم از این اوضاع خبر ندارد. و بعد یک شبه آمار چندین میلیون نفری می دهند و کار به جایی می رسد که موضوع از اساس مسکوت گذاشته شده و به دست فراموشی سپرده می شود. همه اینها در حالی اتفاق می افتد که در خوشبینانه ترین حالت می توان گفت همه از روی اخلاص و دلسوزی است. اما آیا این دلسوزی کافی است ؟

سی امین کج فهمی : تقدم تعهد بر تخصص مجوزی برای اعمال مدیریت های غیر کارشناسی وزرا و معاونان



ب- نتایج پژوهش

در این مقاله سعی شد در حد حوصله و به اختصار و اجمال، به بخشی از این کج تابی ها و باورهای غلط اشاره شود. این که «چه چیزی آموزش قرآن نیست؟» از این که چه چیزی آموزش قرآن است؟ مهم تر است چرا که در این زمینه به دلیل عدم نظارت مستمر و راهنمایی معلمان و ضعف در آموزش و ارتقاء صلاحیت های عمومی و حرفه ای ایشان، مشکلات بسیار زیاد است.

قطعاً سهم علل و عوامل ناشی از سوء مدیریت در این عرصه را نمی توان نادیده گرفت. چرا که آموزش و پرورش اگر مهم ترین خیمه گاه نظام نبا شد، حداقل یکی از مهم ترین ها ست. بدیهی است ثبات و اقتدار حکومت و تضمین استقرار کشور در حال و آینده ارتباط زیادی به جایگاه و وضعیت امروز نظام تعلیم و تربیت به ویژه در دوره تحصیلی ابتدایی و به و بالاخص در دروس قرآن، هدیه های آسمان و فارسی دارد.

با توجه به آن چه که به عنوان کج فهمی های رایج بیان شد باید گفت: جایگاه قرآن، آموزش و تدریس آن در آموزش و پرورش بیش ترین لطمه را از افت تحصیلی ناشی از بی توجهی دیده و می بیند. درسی که در طول ۱۲ سال آموزش داده می شود، ولی نقش اثر بخشی خود را چندان که باید ایفا نمی کند. در بسیاری از مدارس کم توجهی ها و نیز تخلفات گسترده اتفاق می افتد که به صورت آشکارا و پنهان، انزوای تربیتی به دنبال داشته است.

فقدان انسجام اندیشه و عمل و یک پارچگی در فعالیت های قرآنی، نبود نظارت، ارزیابی و سیاست های تشویقی معلمان و مدارس، عدم رغبت معلمان به آموزش و تدریس قرآن در اثر ناتوانی، ورود طرح و برنامه های مغایر با اسناد تحولی و مأموریت های ذاتی آموزش و پرورش، اعمال نظرات مدیران بدون در نظر گرفتن نظرات کارشناسی، همه و همه باعث ناکارآمدی سیستم آموزشی در تحقق اهداف و اسناد تحولی و نیز منویات رهبر معظم انقلاب و در نهایت مهجوریت هر چه بیش تر قرآن در وزارت آموزش و پرورش می شود.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نباتی، رضا (پاییز ۱۳۹۴). مجله رشد جوانه. تهران. سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
۳. شورای تألیف، راهنمای معلم آموزش قرآن اول دبستان. کد ۵۳/۱. چاپ سوم. تهران. شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران
۴. شورای تألیف، راهنمای معلم آموزش قرآن دوم دبستان. کد ۵۷/۱. چاپ سوم. تهران. شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران
۵. شورای تألیف، راهنمای معلم آموزش قرآن سوم دبستان. کد ۶۱. چاپ دوم. تهران. شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران
۶. شورای تألیف، راهنمای معلم آموزش قرآن ششم دبستان. کد ۷۴/۳. چاپ دوم. تهران. شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران
۷. شورای تألیف، مبانی آموزش و روش آموزش قرآن دوره ابتدایی. کد ۶۰۱۱. چاپ دوم. تهران. شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران
۸. طراحی و ارزش یابی اثر بخشی الگوی آموزش قرآن کریم در دوره ی ابتدایی. سید محمد رضا صفوی، ۱۳۹۳ رساله دکتری
۹. بررسی عوامل موثر بر بهبود آموزش قرآن از منظر معلمان دوره ی ابتدایی شهر تهران. پروانه معصومی. ۱۳۹۳ پایان نامه ارشد